

شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان*

دکتر فرامرز سهرابی**، اعظم حسینی***

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان (۱۸-۱۴) پرداخته است. در این پژوهش ۳۰ نفر از دختران نوجوان دارای رفتارهای ضد اجتماعی از مراکز مداخله در بحران بهزیستی و بازداشتگاه‌های زنان مراکز انتظامی با روش تصادفی ساده به عنوان گروه مورد مطالعه انتخاب شدند و همچنین ۳۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی مناطق آموزشی ۳، ۶ و ۱۵، با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند. سپس «پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین دیانا بامریند» و خصوصیات جمعیت شناختی محقق ساخته بر روی هر دو گروه اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر ارائه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل، آزمون کای اسکور، آزمونهای فای و کرامر (۷) برای ارزیابی قدرت رابطه متغیرها استفاده شد. با استفاده از آزمونهای آماری، داده‌های بدست آمده از دو گروه دختران عادی و دختران با رفتارهای ضد اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که شیوه فرزندپروری استبدادی والدین، از هم گسیختگی خانوادگی، مصرف مواد یا دخانیات در اعضای خانواده و شکست تحصیلی بر

بروز رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان تأثیر دارد؛ ولی سن والدین و تعداد فرزندان تأثیری بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان ندارد.
کلید واژه‌ها: دختران نوجوان، رفتارهای ضد اجتماعی، شیوه‌های فرزندپروری.



● مقدمه

بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان مستلزم شناخت و تصریح ابعاد مختلف آن یعنی به ترتیب، نوجوانی، رفتارهای ضد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن است. در دوره نوجوانی آرام آرام شخصیت نوجوان پس از طی سلسله بحران‌های گوناگون از هر لحاظ شکفته می‌شود و شخصیت وی در جستجوی تعادل جدیدی است، وظیفه روانشناختی اصلی در این مرحله سازش دادن شخصیت با شرایط جدیدی است که بر اثر تغییرات بدنی به وقوع پیوسته است و از این زاویه می‌توان پدیده روانی مشخص کننده بلوغ را به منزله اقداماتی در جهت بازسازی تعادل از دست رفته دانست (منصور، ۱۳۸۱). اگر عوامل تأثیرگذار بر شخصیت شکل یافته کودک (والدین، خانواده، محیط اجتماعی، فرهنگ و...) به گونه‌ای سازمان یافته باشند که در هویت یابی و همانندسازی نوجوان را یاری کنند، مسایل حاد بروز نخواهد کرد، اما اگر این عوامل بحران را تشدید کنند، نوجوان، آسیب پذیر و مستعد به سوی نابهنجاری و یا به بیان مشخص تر به سوی بزهکاری رانده خواهد شد (ویلیامسن^۱، ۱۳۷۴).

در طی دو دهه اخیر «رفتارهای ضد اجتماعی» در نوجوانان توجه محققین زیادی را به خود جلب کرده است زیرا گزارش‌های زیادی از افزایش تبهکاری نوجوانان و جوانان، مصرف و سوء مصرف مواد، خشونت و ... خبر می‌دهند (سیکموندا^۲، اسنایدر^۳، کلین^۴، ۱۹۹۵، به نقل از آدامز و مونت مایور، ۱۹۹۸).

در «چهارمین مجموعه تشخیصی و آماری اختلالات روانی» (DSM-IV) در مورد رفتار ضد اجتماعی کودکی یا نوجوانی چنین آمده است: این طبقه را زمانی می‌توان به کاربرد که کانون توجه بالینی «رفتار ضد اجتماعی»^۵ کودک یا نوجوان است که از اختلال روانی (مانند اختلال سلوک یا اختلال مهار تکانه) ناشی نمی‌شود، نمونه آن اعمال منفرد ضد اجتماعی کودکان یا نوجوانان است (نه یک الگوی رفتار ضد اجتماعی). رفتارهای ضد اجتماعی کودکی بیشتر شامل

دزدی، اصلاح ناپذیری، دستگیر شدن، مشکلات تحصیلی، تکانشگری، بی بندوباری جنسی، رفتار مقابله جویانه، دروغ‌گویی، اقدام به خودکشی، سوء مصرف مواد، مدرسه‌گریزی، فرار از منزل، رفت و آمد با افراد ناباب و دیرآمدن به خانه در شبها.

آمارهای کشورهای غربی نشان می‌دهد که میزان رفتار ضد اجتماعی بین ۵ تا ۱۵ درصد جمعیت کلی است و این میزان در کودکان و نوجوانان کمی کمتر است. در یک گزارش، خطر درگیری با پلیس به خاطر رفتارهای ضد اجتماعی در پسران نوجوان ۲۰ درصد و در دختران ۴ درصد ذکر شده است (کاپلان^۶ و سادوک^۷، ۱۳۷۸).

در این پژوهش، از بین گستره رفتارهای اجتماعی دوران کودکی و نوجوانی، دستگیر شدن، فرار از منزل، مصرف یا سوء مصرف مواد، دخانیات و الکل، بی بند و باری جنسی مدنظر است. باید خاطر نشان کرد که میزان رفتارهای ضد اجتماعی با افزایش سن تغییر می‌کند. شروع ارتکاب به تخلفات در حدود سن ۱۴-۱۳ سالگی افزایش یافته و در حدود ۱۸-۱۶ سالگی به اوج می‌رسد، سپس سرعت آن کاهش می‌یابد. اوج سن بزهکاری و تخلف در انگلستان برای مردان ۱۸ سالگی و برای زنان ۱۵ سالگی است (اسپریت، اسپریت-متر، ۱۹۹۹).

در ایران نیز گزارشهای تکان دهنده‌ای از افزایش میزان دختران فراری، مصرف مواد در نوجوانان، بی بندوباری جنسی و عدم تقید آنها به اصول اخلاقی در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌شود. طبق یک بررسی، آمار ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۲ رشد ۱۵٪ دختران فراری را نسبت به ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۱ نشان داد و طبق همین بررسی‌ها، میانگین سنی این دختران ۱۷-۱۵ بود که نشان دهنده وضعیت بحران روحی دختران فراری است (خدادادی و رضامیری، ۱۳۸۳؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۳).

در یک پژوهش، نصیری (۱۳۸۲)، نشان داد که ۵۸ درصد جرایم جنسی را زنان در گروه سنی کمتر از ۱۹ سال مرتکب می‌شوند که این نشان دهنده این است که دختران نوجوان با توجه به مقتضیات سنی و جنسی خود بیش از سایرین در معرض کجروی جنسی قرار دارند.

به علاوه مطالعات پراکنده‌ای در مورد مصرف دخانیات و مواد مخدر در نوجوانان انجام گرفته است که حکایت از شیوع نسبتاً بالای این مواد در بین نوجوانان ایرانی دارد (جزایری و همکاران، ۱۳۸۲).

نتیجه گزارش‌ها و تحقیقات متعدد اهمیت دوره نوجوانی را در بروز رفتارهای ضد اجتماعی

نشان می‌سازد. این پژوهش عواملی را بررسی می‌کند که با توجه به سوابق و پیشینه علمی

موضوع، بیشتر احتمال می‌رود بر رفتارهای ضد اجتماعی تأثیر گذار باشند، از جمله این عوامل عبارتند از: شیوه‌های «فرزندپروری»^۸ والدین و خصوصیات جمعیت شناختی نوجوانان. برای روشن شدن بیشتر موضوع، به سوابق علمی عوامل مورد بررسی به ترتیب اشاره مختصری می‌کنیم.

شیوه‌های فرزندپروری والدین هم یک عامل ایجادکننده و هم یک عامل بازدارنده رفتارهای ضد اجتماعی در نوجوانان است. مطالعاتی که نشان داده‌اند رفتارهای ضد اجتماعی در اثر شیوه‌های فرزندپروری نامناسب افزایش می‌یابند، بیشتر بر شیوه‌های فرزندپروری «استبدادی»^۹ یا «سهل‌گیر»^{۱۰} تأکید دارند (آدامز و مونت مایور، ۱۹۹۸).

محققان دریافته‌اند که ترکیبی از عواطف والدینی ضعیف و مهارهای شدید والدینی رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان را افزایش می‌دهد (اکینو^{۱۱}، ۱۹۹۱)، مخصوصاً در دختران زودرس (سیدلیتز^{۱۲}، ۱۹۹۳، به نقل از آدامز- مونت مایور، ۱۹۹۸). همچنین الیس^{۱۳} (۱۹۸۶) اشاره می‌کند که اگر مهار والدینی از نظر نوجوان منطقی به نظر رسد و در یک فضای گرم و صمیمی انجام شود مشکلی ایجاد نمی‌شود ولی اگر مهار با بی‌عاطفگی همراه باشد. ممکن است رفتارهای ضد اجتماعی نوجوان را افزایش دهد. اکثریت نوجوانان و جوانانی که مرتکب رفتارهای بزهکاران می‌شوند، جهانی به شدت بی‌عاطفه، سرد، طردکننده و غیر قابل تحمل را تجربه می‌کنند (نقل از لانیادو و هورن، ۱۹۹۹).

تحقیقات اخیر در آمریکا نشان می‌دهد که یک عامل بسیار مهم در بروز رفتارهای ضد اجتماعی در نوجوانان عدم نظارت والدین است یعنی اینکه والدین از نوجوانان نمی‌پرسند که به کجا می‌روند، چه موقع به خانه باز می‌گردند و غالب اوقاتشان را در کجا می‌گذرانند (ویلسون^{۱۴}، ۱۹۸۰؛ به نقل از ماسن و همکاران، ۱۳۸۰).

شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، بی‌ثبات و مغشوش احتمال بروز رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، مطالعاتی که اظهار می‌کنند شیوه‌های فرزندپروری والدین رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان را کاهش می‌دهد، بر این نکته تأکید دارند که تنبیه با ثبات، مهار شده، مناسب و همخوان با عمل فرزندان توسط والدین «قاطع»^{۱۵} می‌تواند این رفتارها را کاهش دهد (دنتون^{۱۶} و کامپف^{۱۷}، ۱۹۹۴؛ کروونکوویچ^{۱۸} و گِیردان^{۱۹}، ۱۹۸۷؛ مسنر^{۲۰} و کِرن^{۲۱}، ۱۹۹۰؛ به نقل از آدامز و مونت مایور، ۱۹۹۸).

لانیادو و هورن (۱۹۹۹)، دامنه گسترده‌ای از عوامل خانوادگی مؤثر در رفتارهای ضد

اجتماعی را عنوان کردند. عمده عوامل خطرزای خانوادگی از نظر ایشان عبارتند از: آسیب‌های روانی خانواده، نظارت والدینی بی‌ثبات، بی‌توجهی و غفلت والدین نسبت به نوجوان، تنبیه شدید و نامعقول و...، ایشان همچنین مهمترین عوامل محافظ در برابر رفتارهای ضد اجتماعی را، دل‌بستگی یا وابستگی ایمن در نوزادی، شیوه‌های فرزندپروری قاطع و با ثبات والدینی و ثابت بودن مکان آموزشی و محل زندگی می‌دانستند. خسو (۱۳۸۱)، مهارت‌های زندگی، موفقیت‌های تحصیلی، نظارت والدینی و ارتباط ایمنی بخش را از مهمترین عوامل محافظ معرفی می‌کند. در ایران تحقیقات زیادی در زمینه رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان صورت گرفته است که اکثر این مطالعات به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی در بزهکاری نوجوانان پرداخته‌اند (حسینیان، ۱۳۸۳؛ صمدی راد، ۱۳۸۱؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۳) ولی در مطالعات فوق‌الذکر، عوامل مورد نظر این پژوهش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نظر به اهمیت و نقش سلامت جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان هر جامعه در آینده آن جامعه ضرورت اساسی این پژوهش شناخت عوامل مؤثر بر رفتارهای ضد اجتماعی نوجوان و فراهم آوردن زمینه رشد فردی و اجتماعی نوجوان از طریق پیشگیری و مهار عوامل آسیب‌زا می‌باشد که در چارچوب شناخت عمیق رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان در ارتباط با شیوه فرزندپروری والدین آنها و نیز تبیین نقش سایر عوامل خانوادگی در رفتار آنان به عنوان ضرورت‌های پژوهشی قابل تحقق است.

○ هدف اصلی این پژوهش «شناخت تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان» است. چراکه با کسب اطلاعات علمی از عوامل زمینه ساز در نوجوانان مبتلا، تا حد امکان از آسیب‌پذیری آنان در مقابل مشکلات کاسته می‌شود. در این بعد، اهداف بیشتر عملی و کاربردی است.

اهداف جزئی‌تر تحقیق عبارتند از: پی بردن به عوامل مؤثر بر مشکلات نوجوانان دارای رفتارهای ضد اجتماعی با توجه به خصوصیات خانوادگی دختران نوجوان. ضمن بررسی این اهداف به «هدف علمی» پژوهش که همان اعتباریابی نظریات و تحقیقات، که فرضیات پژوهش از آنها برخاسته است، دست می‌یابیم. این فرض که شیوه فرزندپروری والدین دختران نوجوان دارای رفتارهای ضد اجتماعی با شیوه فرزندپروری والدین دختران نوجوان عادی تفاوت دارد و همچنین، ویژگی‌های خانوادگی دختران نوجوان دارای رفتارهای ضد اجتماعی با ویژگی‌های خانوادگی دختران نوجوان عادی تفاوت دارد مورد مطالعه و آزمون قرار خواهد گرفت.

● روش

○ به خاطر گذشته نگر بودن ماهیت تحقیق و نیز تلاش برای رسیدن به علل این پدیده از طریق خود آن (معلول)، روش علی - مقایسه‌ای (پس رویدادی) مناسب‌ترین روش در این پژوهش می‌باشد.

○ «جامعه آماری» این پژوهش دختران نوجوان (۱۸-۱۴ سال) شهر تهران می‌باشند که در سال ۸۳-۸۴ در دبیرستانهای دخترانه تهران مشغول به تحصیل بوده و یا در مراکز نگهداری و سامان دهی بهزیستی و مراکز مفاصد اجتماعی نیروی انتظامی نگهداری می‌شدند. گروه اول (گروه مورد مطالعه) شامل ۱۵ نفر از دختران نوجوان بازداشت شده در مراکز انتظامی (بازداشتگاه زنان در کلانتری وزرا) و ۱۵ نفر از مراکز مداخله در بحران اجتماعی در شمال، جنوب و مرکز تهران می‌باشند که پس از دستگیری به این مراکز ارجاع شده‌اند. نمونه آماری گروه اول (گروه مورد مطالعه) جمعاً ۳۰ نفر از بین افراد نگهداری شده در این مراکز با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه آماری گروه دوم (گروه مورد مقایسه یا گروه گواه) ۳۰ نفر از دختران نوجوان عادی می‌باشند که در دبیرستانهای تهران مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری گروه گواه با روش نمونه گیری چند مرحله‌ای از دبیرستانهای مناطق (۳، ۶، ۱۵) شهر تهران به صورت تصادفی انتخاب شدند.

○ در این پژوهش، به منظور بررسی میزان تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان از «پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند»^{۲۲} استفاده شد. روایی و اعتبار «پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند» انجام شد. ده نفر از صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی اعتبار صوری آنرا تأیید کردند، با ارزیابی اعتبار با روش بازآزمایی میزان اعتبار برای شیوه‌های سهل‌گیری ۰/۶۹، برای شیوه‌های استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوه‌های قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳ به دست آمد.

○ دومین مقیاس در این پژوهش به سنجش ویژگی‌های فردی و خانوادگی نوجوان می‌پردازد که توسط محقق تنظیم شده و سن و تحصیلات نوجوان، شغل و وضعیت خانوادگی والدین، تعداد فرزندان و مصرف مواد و یا دخانیات در اعضای خانواده وی را مورد سؤال قرار می‌دهد.

○ برای تحلیل داده‌ها علاوه بر کاربرد روشهای آمار توصیفی، از آزمون مقایسه میانگین‌ها (t-test) برای گروه‌های مستقل، آزمون کای اسکور، آزمونهای فای و کرامر (v) برای ارزیابی

● نتایج

با عنایت به اهداف و فرضیه‌های پژوهش و استخراج داده‌ها از پرسشنامه‌های تحقیق با استفاده از آزمونهای آماری بکار بسته، نتایج بدست آمده از دو گروه دختران عادی و دختران با رفتارهای ضد اجتماعی بر اساس فرضیات یافته‌های تحقیق به شرح زیر است:

□ الف) تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای ضد اجتماعی در دختران نوجوان همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، نتایج حاصل از اجرای آزمون t برای امر اشاره دارد که تفاوت میانگین نمرات دو گروه در هر سه شیوه فرزندپروری به لحاظ آماری معنادار است. تفاوت بین میانگین‌های دو گروه دختران در شیوه فرزندپروری والدین آنها در شیوه‌های فرزندپروری «قاطع» و «استبدادی» در سطح $p \leq 0/010$ و در شیوه فرزندپروری «سهل‌گیر» در سطح $p \leq 0/050$ معنادار می‌باشد. یعنی والدین گروه عادی در مقایسه با والدین گروه ضد اجتماعی شیوه فرزندپروری قاطع‌تر و سهل‌گیرانه‌تری را بکار می‌برند ولی والدین گروه ضد اجتماعی در مقایسه با گروه عادی از شیوه فرزندپروری استبدادی‌تری استفاده می‌کنند.

جدول ۱- میانگین انحراف معیار و نتایج آزمون (t-test) برای مقایسه میانگین‌های دو گروه در شیوه‌های فرزندپروری والدین

میانگین	انحراف معیار	واریانس‌ها	ارزش t	درجه آزادی	معناداری دو دانه	شاخص‌ها	گروه‌ها
۲۷/۰۳	۶/۰۲	ممان	۷/۱۴	۵۸	۰/۰۰۱	شیوه قاطع	عادی
۱۵/۰۶	۵/۹۹	ناممان	۷/۱۴	۵۷/۷۵	۰/۰۰۱		ضد اجتماعی
۱۵/۶۷	۷/۵۶	ممان	-۳/۱۹	۵۸	۰/۰۰۲	شیوه استبدادی	عادی
۲۳/۵۰	۱۱/۱۲	ناممان	-۳/۱۹	۵۱/۰۸	۰/۰۰۲		ضد اجتماعی
۲۰/۲۷	۵/۷۳	ممان	۲/۱۲	۵۸	۰/۰۳۹	شیوه سهل‌گیر	عادی
۱۶/۳۰	۸/۵۳	ناممان	۲/۱۲	۵۰/۷۵	۰/۰۳۹		ضد اجتماعی

بر اساس آزمون همسانی واریانس‌های لوین تفاوت واریانس‌های دو گروه در شیوه فرزندپروری استبدادی در سطح $p \leq 0/010$ معنادار است و در شیوه‌های قاطع و سهل‌گیر

جدول ۲- نتایج آزمون همسانی واریانس های لوین

مستطاری	F	مستطاری
۰/۹۱	۰/۰۱	شیوة قاطع
۰/۰۱	۷/۰۷	شیوة استبدادی
۰/۱۱	۲/۵۸	شیوة سهل‌گیر

□ ب) تأثیر ویژگی های خانوادگی بر رفتارهای ضد اجتماعی در دختران نوجوان

در این پژوهش علاوه بر پیگیری میزان اثر بخشی شیوه های فرزندپروری والدین تأثیر ویژگی های خانوادگی نوجوانان نیز در ظهور رفتارهای ضد اجتماعی آنها مورد بررسی قرار گرفت. در این جا منظور از «وضعیت خانوادگی» نمره‌ای است که آزمودنی در یک مقیاس اسمی بر اساس زندگی در چارچوب خانوادگی با ساخت عادی (زندگی مشترک پدر و مادر و فرزندان) یا خانواده‌ای از هم پاشیده یا گسسته (طلاق، جدایی، فوت یک یا هر دو والد) بدست می‌آورد.

در سطح توصیفی مشخص شد که ۹۳/۳ درصد دختران نوجوان عادی در خانواده‌های عادی و ۷ درصد دور از والدینشان زندگی می‌کنند. ولی تنها ۳۳/۳ درصد دختران نوجوان با رفتارهای ضد اجتماعی از خانواده‌های عادی هستند، ۳۰ درصد دختران با رفتارهای ضد اجتماعی والدینشان طلاق گرفته‌اند، در ۲۰ درصد موارد؛ یکی از والدین دور از خانواده زندگی می‌کند، در ۱۰ درصد موارد این دختران هر دو والد دور از خانواده زندگی می‌کنند، ۳/۳ درصد یکی از والدین و ۳/۳ درصد نیز هر دو والد فوت کرده‌اند. با توجه به یافته‌های تحقیق ۶۶/۷ درصد نوجوانان دارای رفتار ضد اجتماعی در خانواده‌های از هم گسیخته زندگی می‌کنند. تحلیل یافته ها در سطح استنباطی با اجرای آزمون کای اسکور نشان داد که تفاوت بین دو گروه عادی و ضد اجتماعی از نظر وضعیت خانواده در سطح $p \leq 0/01$ معنادار است. براساس ارزش آزمون و

جدول ۳- نتایج آزمون کای اسکور و آزمونهای تکمیلی برای

مقایسه نسبتهای دو گروه در وضعیت خانوادگی

نتایج آزمونها	شاخصها	ارزشی	درجه آزادی	معناداری
آزمون کای اسکور		۲۳/۲۵	۱	۰/۰۰۰۱
آزمون فای		۰/۶۲	-	۰/۰۰۰۶
آزمون کرامر V		۰/۶۲	-	۰/۰۰۰۱

کرامر ۷ (۵/۶۲۳) قدرت رابطه بین متغیرهای وضعیت خانوادگی و رفتارهای ضداجتماعی زیاد می‌باشد (جدول ۳).

تحلیل یافته‌ها در ارزیابی بُعد خانوار با اجرای آزمون (t-test) نشان داد که دو گروه از لحاظ تعداد جمعیت خانواده تفاوت معناداری ندارند. لذا تعداد فرزندان خانواده تأثیری بر بروز رفتارهای ضد اجتماعی دختران ندارد.

□ ج) تأثیر مصرف مواد و دخانیات در اعضای خانواده بر رفتارهای ضد اجتماعی در دختران نوجوان.

تحلیل یافته‌ها با اجرای آزمون کای اسکور نشان داد که تفاوت بین دو گروه عادی و دارای رفتار ضد اجتماعی از نظر مصرف مواد و دخانیات در اعضای خانواده در سطح $p \leq 0/01$ معنادار است. بدین ترتیب اعضای خانواده‌ی گروه با رفتار ضد اجتماعی در مقایسه با گروه عادی بیشتر از مواد یا دخانیات استفاده می‌کنند (جدول ۴). مقایسه سطح تحصیلات والدین دو گروه در سطح توصیفی نشان داد که تعداد پدران و همچنین مادران بی سواد یا دارای تحصیلاتی در حد ابتدائی و سیکل در گروه با رفتار ضد اجتماعی بیشتر از گروه عادی است.

جدول ۴- نتایج آزمون کای اسکور برای مقایسه نسبت های دو گروه از نظر

مصرف مواد و دخانیات در اعضای خانواده

مستطوری	درجه آزادی	ارزشی	نتایج آزمونها دخترها
۰/۰۲۰	۱	۵/۴۱	آزمون کای اسکور
۰/۰۲۰	-	۰/۳۰۰	آزمون فای
۰/۰۲۰	-	۰/۳۰۰	آزمون کرامر V

نتایج حاصل از داده‌های تحقیق همچنین نشان داد که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین «سن» والدین دو گروه ملاحظه نمی‌شود. مقایسه «شغل پدران» دو گروه در سطح توصیفی هم نشان داد که میزان بیکاری و کارگری در پدران گروه دختران دارای رفتار ضد اجتماعی بیشتر از گروه عادی است. مشاغل آزاد و کارمندی در گروه عادی بیشتر از گروه دیگر است. مقایسه شغل مادران دو گروه در سطح توصیفی نشان داد که تعداد مادران شاغل در گروه دختران عادی بیشتر از دختران دارای رفتار ضد اجتماعی است.

دختران عادی از نظر متغیرهای شیوه های فرزندپروری والدین و برخی ویژگی های خانوادگی به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارند. با عنایت به اهداف تحقیق، فرضیه های تحقیق مورد آزمون قرار گرفت.

○ نتایج به دست آمده مبنی بر این که والدین گروه دختران نوجوان عادی در مقایسه با والدین گروه دارای رفتارهای ضداجتماعی، شیوه فرزندی‌پروری قاطع تری را به کار می‌برند و والدین گروه دارای رفتارهای ضداجتماعی در مقایسه با گروه عادی، شیوه فرزندی‌پروری استبدادی تری را به کار می‌برند. با مطالعات ویلر^{۲۳} (۱۹۸۷)، لایود^{۲۴} و سیمون^{۲۵} (۱۹۸۸)، سنر و کرن (۱۹۹۰)، بازن^{۲۶} و همکاران (۱۹۹۴)، پیتسون^{۲۷} و همکاران (۱۹۹۴)، که اظهار می‌دارند شیوه های مناسب فرزندپروری والدین رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان را کاهش می‌دهد و بر این نکته تأکید دارند که تنبیه با ثبات مهار شده، مناسب و همخوان با عمل فرزندان توسط والدین قاطع می‌تواند این رفتارها را کاهش دهد (به نقل از آدامز و مونت مایور، ۱۹۹۸) همخوانی دارد. همچنین یافته های تحقیق حاضر با نتیجه پژوهش علمی (۱۳۸۳)، که نشان می‌دهد روابط دموکراتیک در خانواده های دارای نوجوان مجرم در مقایسه با خانواده های دارای نوجوان عادی کمتر است همسو می‌باشد.

○ از نتایج دیگر پژوهش حاضر این بود که شیوه فرزندی‌پروری سهل گیرانه در بین والدین نوجوانان گروه عادی بیشتر از والدین گروه دارای رفتارهای ضد اجتماعی است. یعنی رابطه معکوسی بین شیوه فرزندی‌پروری سهل گیرانه و رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان مشاهده شد. این نتیجه بر خلاف نتیجه تحقیقاتی است که نشان می‌دهد شیوه فرزندی‌پروری سهل گیرانه احتمال بروز رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش می‌دهد (دنتون و کامپ، ۱۹۹۴؛ اشتراوس^{۲۸}، ۱۹۹۱، نقل از آدامز و مونت مایور، ۱۹۹۸). ولی نتایج پژوهش کاوه (۱۳۸۲)، که منطبق بر نتایج پژوهش حاضر است، نشان داد که شیوه فرزندی‌پروری مسامحه کار در والدین دختران فراری و شیوه سهل گیر در والدین دختران عادی بیشترین فراوانی را دارد. از سوی دیگر وی نشان داد که مسند مهارگذاری درونی در نوجوانان دارای والدین سهل گیر بیشتر از سایرین است.

○ در تبیین این یافته ها در ارتباط با شیوه فرزندی‌پروری می‌توان گفت که چنانچه شیوه فرزندی‌پروری «سهل گیرانه» توأم با شیوه فرزندی‌پروری «قاطعانه» بکار بسته شود، شیوه فرزندی‌پروری موفق برای ظهور رفتارهای مناسب در فرزندان و مهار رفتارهای ضد اجتماعی آنان ارائه می‌دهد که یافته های تحقیق حاضر دلیل روشنی بر این مدعاست. از سوی دیگر، نتایج این تحقیق در خصوص شیوه فرزندی‌پروری سهل گیرانه می‌تواند کفه ترازو در دیدگاه ربه کا (۲۰۰۱)،

راکه به خصوصیات مثبت (دارای اعتماد به نفس، مهار درونی و پیشرفت تحصیلی) و منفی (سطح متوسطی از انحرافهای اجتماعی مثل سو مصرف مواد) نوجوانان خانواده‌های سهل‌گیر اشاره می‌کند، به نفع خصوصیات مثبت سنگین کند.

○ نتایج این پژوهش در زمینه شیوه فرزندپروری همچنین نشان داد که شیوه فرزندپروری والدین نوجوانان دارای رفتارهای ضد اجتماعی استبدادی تر از شیوه فرزندپروری والدین نوجوانان عادی است. این نتیجه تحقیق با مطالعاتی که نشان می‌دهند رفتارهای ضد اجتماعی در اثر شیوه‌های فرزندپروری استبدادی و یا سهل‌گیرانه والدین افزایش می‌یابند مانند مطالعات اسکینر^{۲۰} (۱۹۹۸)؛ ولز^{۲۱} و دانکین^{۲۱} (۱۹۹۸)، به نقل از آدامز و مونت مایور، (۱۹۹۸)، همسو می‌باشد. ولی یافته‌های تحقیق در زمینه شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با مطالعات فوق همخوانی ندارد و در این زمینه فقط با مطالعه کاوه (۱۳۸۲)، همخوان است. همچنین، نتایج این تحقیق با یافته‌های داهب (۱۳۸۰)، که نشان می‌دهد شیوه فرزندپروری استبدادی والدین در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است، همسو می‌باشد.

○ نتایج حاصل از بررسی این فرض که «ویژگیهای فردی و خانوادگی دختران نوجوان دارای رفتارهای ضد اجتماعی با دختران نوجوان عادی تفاوت دارد» نشان داد که نتایج تحقیق حاضر همگام با یافته‌های مطالعات گذشته تأثیر برخی عوامل خانوادگی را در پیشگیری و یا ظهور رفتارهای ضد اجتماعی اثبات می‌کند. به عنوان مثال، منطبق بر یافته‌های این پژوهش، چندین مطالعه نشان داده‌اند که در خانواده‌های از هم پاشیده بالاترین خطر انجام رفتارهای ضد اجتماعی از جمله مصرف مواد و فرار وجود دارد (مطالعات زیل^{۲۲} و همکاران، ۱۹۹۳؛ به نقل از لطف آبادی، ۱۳۸۰). همچنین نتیجه تحقیق حیات روشنائی (۱۳۸۲)، حاکی از آن است که ۸۰ درصد از دختران نوجوانی به خانواده‌های نابسامان تعلق داشته و عواملی همچون طلاق، اعتیاد، فوت یا ازدواج مجدد والدین در فرار این دختران نقش داشته است. در پژوهش حاضر نیز ۶۷ درصد دختران دارای رفتار ضد اجتماعی متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته بودند در حالی که این رقم در بین دختران عادی فقط ۷ درصد بود یعنی گروه دختران با رفتارهای ضد اجتماعی در مقایسه با گروه عادی وضعیت خانوادگی از هم گسیخته تری دارند. و از آنجا که ارزش آزمون فای و کرامر ۷ (۰/۶۲۳) قدرت رابطه بین متغیرهای وضعیت خانوادگی و رفتارهای ضد اجتماعی زیاد می‌باشد، بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت از هم گسیختگی خانواده، عاملی مهم در بروز رفتارهای ضد اجتماعی سنین نوجوانی است.

○ مطالعات نشان داده‌اند که بین مصرف مواد در خانواده و رفتارهای ضد اجتماعی نوجوان

رابطه وجود دارد (پایک^{۳۳} و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از کامپتون و همکاران، ۲۰۰۳). یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد که اعضای خانواده گروه دختران با رفتار ضد اجتماعی در مقایسه با گروه عادی بیشتر از مواد مخدر یا دخانیات استفاده می‌کنند که نتایج مطالعات فوق را مورد تایید قرار می‌دهد.

○ نتایج حاصل از داده‌های تحقیق نشان داد که بین میانگین سنی پدران و مادران دو گروه از لحاظ آماری تفاوت معنی داری ملاحظه نمی‌شود. همچنین تأثیر بعد خانوار در بروز رفتار ضد اجتماعی به اثبات نرسید. این یافته تحقیق با نتیجه پژوهشهای راهب (۱۳۸۰) و حسینیان (۱۳۸۳)، که نشان داده‌اند بعد خانوار (تعداد جمعیت) در خانواده دختران نوجوان فراری و یا بزهدار بیشتر است، نا همخوان است ولی پژوهش حقیقت دوست (۱۳۸۳)، منطبق بر پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که خانواده دختران نوجوان عادی از نظر تعداد فرزندان با خانواده دختران دارای رفتار ضد اجتماعی تفاوت معنی داری ندارد، یعنی جمعیت خانواده تأثیری بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان ندارد.

○ مقایسه «سطح تحصیلات» پدران و نیز مادران دو گروه در سطح توصیفی نشان داد که تعداد پدران و نیز مادران بی سواد یا دارای تحصیلاتی پایین تر از سیکل در گروه با رفتار ضد اجتماعی بیشتر از والدین گروه عادی است. همچنین مقایسه شغل والدین دو گروه نشان داد که سطح شغلی پدران و مادران گروه دختران دارای رفتار ضد اجتماعی در مقایسه با والدین گروه عادی بسیار پایین تر است. در نظر گرفتن سطح تحصیلات و سطح شغلی والدین در یک راستا به این دلیل است که معمولاً کسب مشاغل سطح بالا، مطمئن و پر درآمد در گروه داشتن تحصیلات بالا و یا مهارت‌های حرفه‌ای است. سطح پایین تر هر دو متغیر سطح تحصیلات و سطح شغلی در گروه دختران با رفتار ضد اجتماعی نسبت به گروه دختران عادی، این پژوهش با یافته‌های میر زمانی (۱۳۸۳) و راهب (۱۳۸۰)، همسو می‌باشد.

○ با در نظر گرفتن اهداف و محدودیت‌های تحقیق (از جمله محدود بودن نمونه از لحاظ جنس و سن و فروگذاری سایر عوامل دخیل در این امر و نیز پرداختن به برخی از رفتارهای ضد اجتماعی) پیشنهاد می‌شود که عوامل مؤثر بر رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان در گروه‌های سنی متفاوت و در هر دو جنس انجام گیرد تا امکان مقایسه نیز فراهم گردد. آموزش شیوه فرزندپروری قاطع به والدین، تحکیم نظام خانوادگی سالم و سامان بخشیدن به وضعیت خانواده‌های گسسته می‌تواند از بروز و رفتارهای ضد اجتماعی پیشگیری کند و به سلامت روانی اجتماعی نوجوانان و خانواده‌های آنان و در نهایت استقرار جامعه سالم و پویایی آن

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|--|
| 1- Williamsen, K. | 2- Sickmund |
| 3- Snyder | 4- Klein |
| 5- Antisocial behavior | 6- Kaplan |
| 7- Sdock | 8- Rearing |
| 9- Authoritarint | 10- Permissive |
| 11- Akino, A. | 12- Seydlitz |
| 13- Ellis | 14- Willson |
| 15- Authoritative | 16- Denton |
| 17- Kampf | 18- Cronkovich |
| 19- Giordane | 20- Mesner, D. |
| 21- Kern, S. | 22- Baumrind's Parenting Style Questionnaire |
| 23- Willer, M. | 24- Lavid |
| 25- Simon | 26- Baron, S. |
| 27- Petterson | 28- Straus |
| 29- Skinner | 30- Wales |
| 31- Rankin | 32- Zile |
| 33- Paik | |

منابع

- جزایری، علیرضا و همکاران. (۱۳۸۲). نگرش دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران دربارهٔ اعتیاد. فصلنامهٔ رفاه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران. شماره ۷، ص ۲۴۳-۲۵۳.
- حسینیان، سیمین. (۱۳۸۳). بررسی خصوصیات دموگرافیک نوجوانان فراری و خانواده‌هایشان به منظور پیش بینی و پیشگیری از رفتار فرار. چکیدهٔ مقالات نخستین کنفرانس آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: پژوهشکدهٔ خانوادهٔ دانشگاه شهید بهشتی. ص ۵۴.
- حقیقت دوست، زهرا. (۱۳۸۳). عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه. فصلنامهٔ رفاه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، شماره ۱۳، ص ۲۶۴-۲۵۱.
- حیات روشنایی، افسانه. (۱۳۸۲). بررسی رابطهٔ فرار از منزل با شیوه‌های تربیتی والدین. خلاصهٔ مقالات نخستین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- خدادادی، مریم؛ رضا میری، محمد. (۱۳۸۳). نقش آسیب‌های اجتماعی خانواده در ایجاد پدیدهٔ دختران فراری. چکیدهٔ مقالات نخستین کنفرانس آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: پژوهشکدهٔ خانوادهٔ دانشگاه شهید بهشتی.
- خستو، گل آرا. (۱۳۸۱). پیشگیری از سوء مصرف مواد و وابستگی با رویکرد اجتماع محور. فصلنامهٔ رفاه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، شماره ۶، ص ۲۶۴-۲۳۵.
- راهب، غنچه. (۱۳۸۰). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان دختر ساکن تهران. فصلنامهٔ رفاه اجتماعی.

- دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، شماره ۵، ص ۵۳-۵۰.
- صمدی راد، انور. (۱۳۸۱). بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- علمی، محمود. (۱۳۸۳). گونه شناسی خانواده. چکیده مقالات نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- کاپلان، هارولد. و سادوک، بنیامین. (۱۳۷۸). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری | روانپزشکی بالینی. ترجمه حسن رفیعی و فرزین رضاعی. جلد سوم. تهران: انتشارات ارجمند.
- کاوه، منیژه. (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه شیوه های فرزندپروری و منبع کنترل دختران فراری و عادی ۱۶ تا ۱۸ ساله تهران بزرگ. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۰). زمینه های اجتماعی، فرهنگی رشد نوجوانان و جوانان. تهران: اسپید.
- ماسن، پاول هنری و همکاران. (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی و همکاران. تهران: انتشارات کتاب ماد.
- منصور، محمود. (۱۳۸۱). روانشناسی ژنتیک، تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: سمت.
- میر زمانی، محمود. (۱۳۸۳). ویژگیهای زمینه ای و خانوادگی دختران فراری در شهر تهران. چکیده مقالات نخستین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- نصیری، معصومه. (۱۳۸۱). کجروی جنسی، علل و زمینه های آن. فصلنامه رفاه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، شماره ۵، ص ۲۳۴-۲۲۱.
- ویلیامسن، کوآرا کیوس. (۱۳۷۴). بزهکاری نوجوانان مسئله ای برای دنیای مدرن. ترجمه جعفر نجفی زند، تهران: نمایشگاه کتاب کودک.

Adams, G. R.; & Montemayor, R. (1998). *Biology of adolescent behavior and development*. Sage Publications Ltd, USA.

American Psychiatric Association. (2000). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 4th edition, Text Revised, DSM-IV-TR*. Washington DC.

Compton, K.; Snyder, J.; Schrepferman, L.; Bank, L.; & Shortt, J. (2003). Contribution of parents and siblings to antisocial and depressive behavior in adolescent: A double jeopardy coercion model. *Journal of Development & Psychopathology*. 15(1), 84-162.

Lanyado, M.; & Horne, A. (1999). *The handbook of child and adolescent psychotherapy*. Psychoanalytic Psychotherapy.

Spruit, R. G.; & Spruit-Metz, D. (1999). *Adolescent affect and health*. Published for: The European Association for Research on Adolescent.